

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۴۹

جمعه ۱۳ بهمن ۱۳۹۶، ۲ فوریه ۲۰۱۸

## مقابله با حکومت سراسری تر و همه جانبه تر میشود

اعتراضات مردم از همه طرف جریان دارد. مردمی که ۳۹ سال از کوچکترین حقی محروم بوده اند، رژیم را از هر سو تحت منگنه قرار داده اند. نه مردم وضعیت فلاکتیاب خود را میپذیرند و نه حکومتیان میتوانند بدین شکل به حکومت ادامه دهند. جامعه در آستانه تغییرات زیر و رو کننده و یک انقلاب عظیم اجتماعی قرار گرفته است.

روز ۱۲ بهمن در شهرهای زیادی در سراسر کشور مردم با شعارهای سیاسی و ضد حکومتی دست به تظاهرات زدند. ساری، کرمانشاه، اهواز، اصفهان، زرین شهر، همدان، تویسرکان، سنندج، مشهد، شاهرود، گوهردشت، دهشت، مشکین شهر و چندین نقطه تهران و... شبانگاه ۱۲ بهمن صحنه اعتراض و درگیری مردم با مزدوران حکومت بود. در شهرهای دیگری پوستریهای خامنه ای به زیر کشیده میشود و یا سوزانده میشود و مراکز سرکوب مورد هجوم مردم قرار میگیرد.

به موازات تظاهرات، حرکت شکوهمند دختران خیابان انقلاب با سرعتی باورنکردنی در حال تکثیر و گسترش است. حرکتی که در روزهای اول دیماه در خیابان انقلاب تهران شروع شد اکنون در سراسر کشور جریان دارد و خون تازه ای به جنبش انقلابی مردم داده است.

زنان، حجاب این سمبل تحقیر و بیحقوقی و سمبل حکومت مذهبی اسلامی، را از سر برمیدارند و آنرا ادامه در صفحه بعد

## ماجرای رد و تصویب بودجه، یک عقب نشینی برای کل حکومت است!

محمد شکوهی

صفحه ۲

## یک ارزیابی و یک نقد از تحولات حزب مشروطه ایران "دیگر پادشاهی مشروطه نیز میدان پیشرفت آن نیست"

علی جوادی

صفحه ۳

## فغان آخوندهای حکومت اسلامی از فضای مجازی

کاظم نیکخواه

صفحه ۵

## با تمام قوا برای لغو اعدام رامین حسین پناهی، هدایت عبدالله پور و آزادی زندانیان سیاسی دست بکار شویم!

پیام نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۷

## یادداشت های روزانه

آرش دشتی

صفحه ۸

### اطلاعیه ها:

## "دهه فجر" را به ده روز وحشت و اضطراب رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

صفحه ۵

## متحد شویم و نگذاریم جمهوری اسلامی رامین را اعدام کند!

صفحه ۶

## شنبه سوم فوریه روز جهانی دفاع از رامین حسین پناهی و زندانیان سیاسی دربند

صفحه ۶

## اعتراضات و تجمعات گسترش می یابد

صفحه ۸

## جانیات ارتش ترکیه در عفین را شدیداً محکوم میکنیم

صفحه ۹

# ماجرای رد و تصویب بودجه، یک عقب نشینی برای کل حکومت است!

محمد شکوهی



اقتصادی و تصمیماتش عقب نشسته و وعده "توجه به خواستههای مردم" را بدهد. این را در همین دلایلی که کمیسیون مجلس برای رد بودجه آورده بود، به خوبی میشود دید. مردم در اعتراضات دیماه علیه گرانی، فقر، بیکاری، دستمزدهای پائین و دزدی و غارت و چپاول ویر علیه سران حکومت شعار دادند. مدت کوتاهی نگذشت که همه شعارها سیاسی شد و شعار سرنگونی حکومت و آزادی زندانیان سیاسی سر داده شد. جنبش سرنگونی به میدان آمده است.

در جریان جنگ و دعواهای دولت و مجلسی ها بر سر بودجه همین اعتراضات و شعارهای مردم کار خودش را کرده است. اینکه مجلس حکومت با اکثریت بالایی و برای اولین بار با اشاره به "وضعیت حساس معیشتی و اقتصادی مردم" که نتیجه اجرای سیاستهای دولت و کل نظام دردهای گذشته است، اشاره کرده و خواهان تجدید نظر در بودجه میشود، بیانگر یک عقب نشینی حکومت و مجلس زیر فشار اعتراضات مردم و خواستههایشان می باشد. نه مجلس، نه دولت و نه کل باندهای نظام اسلامی سیاست و هدفشان رسیدگی به مطالبات مردم و پاسخگویی به آنها نیست. اینها زیر فشار اعتراض و کوه مطالبات مردم، فعلا برای "سالم ببردن کل نظام" عقب نشینی کوچکی کرده و وعده هایی داده اند.

رد و سپس تصویب بودجه بعدا از سه روز در مجلس بیانگر در هم ریختگی صفوف حکومت می باشد. درهم ریختگی و آشفتگی که حکومت داشته و در یک ماه گذشته به دنبال اعتراضات در بیش از ۷۰ شهر بر علیه حکومت، زنگ "خطر" را برای حکومت به صدا درآورده است. بخش هایی از حکومت ناچار شده اند فاکتور اعتراضات مردم را

در خبرها آمده بود مجلس حکومت روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه کلیات بودجه سال ۹۷ را تصویب کرد. این خبر در حالی امروز منتشر میشود که سه روز پیش مجلس به همین بودجه پیشنهادی دولت روحانی رای نداده بود و آن را رد کرده بود.

کمیسیون تلفیق بودجه مجلس بیست دلیل را در مخالفت و برای رد بودجه اعلام کرده که مهمترین آنها اینها هستند: قطع یارانه بیش از ۳۰ میلیون نفر، عدم افزایش قیمت حامل بهای انرژی، عدم توجه به حل مشکل صنوقهایی از جمله تامین اجتماعی و بازنشستگی، تعیین سقف حقوق ۵ میلیون تومانی برای اعضای هیئت علمی و قضات، کمبود منابع طرح تحول سلامت، بی توجهی به معوقات بازنشستگان و فرهنگیان، تعیین قیمت نفت بشکمی ۵۵ دلار، بی توجهی به همسان سازی حقوق کارکنان کشوری و لشکری، هزینه های بالای شرکت های دولتی های زیانده، مغایرت بودجه ۹۷ با اسناد بالادستی به ویژه برنامه ششم توسعه...

اینها دلایل مخالفت مجلس در رد بودجه پیشنهادی از طرف دولت بود. اما نکته بسیار مهم تری که بخشی از حکومت زیر فشار و ناچار شده با نمایندگانش به مخالفات با این بودجه بپردازند، وجود فضا و جو اعتراضی در جامعه علیه حکومت می باشد. طبعاً این را جناح های حکومتی به این صراحت نمی گویند، فقط به این اکتفا کرده و گفته اند: "مجلس به شرایط اقتصادی جامعه حساس است."

واقعیت این است که فشار اعتراضات، مطالبات و شعارهای مردم بر علیه حکومت در اعتراضات دیماه، حکومت را مجبور کرده که بعضاً در سیاستهای

اکثریت عظیم جامعه را به هر شکل توانستند سرکوب کردند و از هر حقی محروم کردند. اکنون خیل عظیم مردم عاصی از حکومت اسلامی سرمایه داران از همه سو به حرکت درآمده و نیروی انقلاب مردم هرروز قدرتمندتر و سهمگین تر میشود و ارتجاع حاکم قادر به مهار آن نیست.

زنده باد انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران  
زنده باد سوسیالیسم  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳ بهمن ۱۳۹۶، ۲ فوریه

۲۰۱۸

صفوف نیروهای سرکوب ترمز گسترش یافته و فضای بی اعتمادی در این ارگان ها را تشدید کرده است. بالاترین مقامات حکومت دارند اقرار میکنند که اگر گوش به مردم ندهیم! سرنگون میشویم و بعضاً اقرار میکنند که دیگر دیر شده است. شعارنویسی بر در و دیوار شهرها و جنگ روانی گسترده ای که در مدیای اجتماعی علیه حکومت جریان دارد، وجه دیگری از خیزش انقلابی عظیم مردم است که مقامات را بشدت تحت فشار قرار داده و کلافه کرده است.

در ۳۹ سال گذشته اقلیتی مفتخور و مرتجع و جنایتکار

**تراکت های حزب  
کمونیست کارگری ایران  
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید**

**www.wpiran.org**

**به حزب کمونیست کارگری  
ایران پیوندید**

**انترناسیونال**

**نشریه حزب**

**کمونیست کارگری**

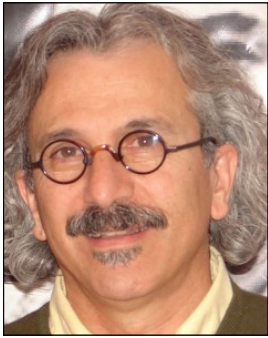
**سردبیر: بهروز مهرآبادی**

**مسئول فنی: سهند مطلق**

**ایمیل: anternasional@yahoo.com**

**انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود**

**به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید**



وجود سیاسی و اجتماعی همگان در جامعه نخواهند شد. با این پسوند ها حزب ایشان مدافع آزادی بی قید و شرط زن و مرد در جامعه خواهند شد. با این تغییر و تحولات این حزب به جریانی علیه سلطه مذهب بر زندگی جامعه تبدیل خواهد شد. با این تغییرات حزب ایشان مدافع آزادی بی قید و شرط بیان و نقد تمامی "مقدسات" ملی و مذهبی نخواهد شد. با این تغییرات این حزب ذره ای به صف پرچمداران حق بی قید و شرط تشکیل علی العموم و تشکیل کارگری و کمونیستی در جامعه نزدیک خواهد شد. و شاید حتی طرح چنین مطالباتی در مقابل این حزب بیش از حد لوکس باشد. شاید باید پرسید آیا گزینه حفظ نظام "کماکان روی میز این جریان قرار دارد؟ اگر خیر! در چه زمانی و بر مبنای کدام تحلیل ها از خیر "حفظ نظام" کشف اسلامی گذشتند؟ و یا شاید باید پرسید که آیا این جریان همچنان خواهان دفاع از مافیای "روحانیت" در مقابل باند احمدی نژاد و شرکاء است؟ آقای داریوش همیون نمیتواند به یکباره تاریخ لیبرالیسم" را علیرغم هر نقدی که ما کمونیستهای کارگری به آن داشته باشیم به تاریخ پروژه اعاده سلطنت و سیاستهای فوق راستی این جریان گره بزند. این یک غیرممکن است. یک ناهمخوانی تاریخی و

## یک ارزیابی و یک نقد از تحولات حزب مشروطه ایران "دیگر پادشاهی مشروطه نیز میدان پیشرفت آن نیست"

علی جوادی

است که این تغییر و تحول پیش از آنکه تغییری در مضامین، اهداف و سیاستهای این حزب باشد، تلاشی برای تغییر جایگاه سلطنت و نقش آقای رضا پهلوی در مجموعه مشغله های این حزب است. کسی با افزودن پسوند "لیبرال" و "دمکراسی" به حزبی که شبه لیبرال و دمکرات نخواهد شد؟ هیچ انسان آزادیخواه و برابری طلبی از این جریان نخواهد پذیرفت که یک جریان خواهان اعاده پادشاهی به یکباره "لیبرال" و "دمکرات" شده است. شاید برخی جریانات ملی - اسلامی و نیروهای توده ای و اکثریتی و جمهوریخواه از این تغییر و تحول استقبال کنند. شاید هم آن را رقیبی جدید برای خود بدانند. اما جامعه حافظه تاریخی خود را از دست نداده است. جامعه بدنبال آزادی و برابری و رفاه همگان است. حتی اگر آزادی را با "دمکراسی" قالب بزنند، مردم آنجا که سیاست و احزاب و آینده مطرح است، وقتی به این تقلاها نخواهند گذارد.

انتظار زیادی از "لیبرال دمکراسی" حتی در بهترین شکل و شمایل آن نباید داشت. به بنیادهای این جنبش در زیر اشاراتی خواهد شد. اما باید تاکید کرد که با این تغییر و تحولات ما شاهد این نخواهیم بود که حزب آقای داریوش همیون حمایت خود را از سیاست عسرت کشی اقتصادی برای نجات سرمایه داری در ایران تغییری دهد. با این تغییر و تحولات ایشان مدافع آزادیهای بی قید و شرط بیان و ابراز

بعلاوه نیازی نیست که کسی دانشمند علوم فضایی باشد تا به واقعیت ابتدایی جامعه ایران پی ببرد. آقای داریوش همیون هم میدانند که جامعه ایران در آستانه یک تغییر و تحول عظیم اجتماعی قرار دارد. میدانند که نسلی پا به میدان گذاشته است که اساسا در دوران پس از سرنگونی سلطنت چشم به حیات گشوده است. میدانند این نسل کلید دار تحولات تعیین کننده ای در جامعه است. نسلی امروزی است. آزادی میخواهد، برابری میخواهد، رفاه میخواهد و اعاده سلطنت با هیچ چسبی به این واقعیات گره نمیشود. این واقعیات جایی برای پروژه سلطنت در ذهن هیچ انسان متوسط الحالی باقی نمیگذارد.

در واقع توسل جستن این حزب به "لیبرال دمکراسی" نه از سر تعلق این جریان به آزادیخواهی و برابری طلبی محدود در سیستم فلسفی و نگرش لیبرال دمکراسی بلکه از سر پاسخ به تناقضات خرد کننده ای است که گریبان این حزب را گرفته است. راهی به جلو ندارند مگر اینکه ذره ذره پروژه پادشاهی شان را در اذهان کم رنگ کنند و زمینه های انتقال سیاسی خود به زمینی برای بقاء را فراهم کنند. "حقوق بشر"، "لیبرالیسم" و "دمکراسی" جملگی عوامل تزینی چنین تغییری هستند. داریوش همیون از قرار متوجه شده است که حکومت سرمایه در ایران را نمیتوان با ایدئولوژی و افکار قرون وسطایی و نهادهای بازمانده آن دوران در پس یک تحول تاریخی و دگرگون کننده اداره کرد. از این رو حزبی را با "لحظه حقیقت" مواجه کرده است. این واقعیت خود نوعی بالا کشیدن "جام زهر" برای این جریان است.

### کدام تغییرات سیاسی؟

آیا این تغییری تحول به معنای تغییری در سیاستها و اهداف این حزب است؟ کدام تغییرات را باید و میتوان انتظار داشت؟ واقعیت این

کناری انداختند، اعاده کند. اما از قرار هر روز مسئولین این حزب بیشتر متوجه میشوند که این پروژه ای نزدیک به محال است. کار به جایی رسیده است که خودشان با زبان بیزبانی دارند اذعان میکنند که مردم وقتی به پروژه اعاده پادشاهی در ایران نمیگذارند. بعلاوه از طرف دیگر دیده اند که متحدین بین المللی شان هم اشتباهی چندانی به این پروژه ندارند. تغییر و تحولات در افغانستان منجر به بازگشت ظاهر شاه نشد. سرنگونی صدام حسین نتیجه اش بازگشت خاندان پادشاهی به عراق نبود. در ایران بطریق اولی چنین پروژه ای اگر احتمالی برابر با صفر نداشته باشد، باید گفت شانس شان نزدیک به صفر است. و بنظر میرسد که اینها هم ظاهر اینقدر هوش و حواس دارند که جامعه را با دارالمجانین اشتباه نگیرند.

آقای داریوش همیون این واقعیت را میدانند. به فکر آینده حزبی است. شاید میخواهد خود را با این "واقعیت" تطبیق دهد. شاید نمیتواند. شاید هم جسارت آن را ندارند که گریبان خود را از شر سیستم پادشاهی خلاص کنند. اما میدانند که سلطنت در ایران مرده است. بنظر نه میخواهند و نه میتوانند این مرده را دفن کنند. باید با خود حملش کنند. هر چه هست خود بهتر میدانند. نتیجتا باید نیم کلاج حرکت کرد، و اگر نتوان پروژه اعاده پادشاهی را به دور انداخت باید راهی برای به سازش رساندن آن با واقعیت خشنی که علیه پروژه موجودیت این حزب قرار دارد، ایجاد کرد. و چه مضامینی بهتر از "لیبرالیسم" و "دمکراسی" حتی برای حزبی که هدفش اعاده تاج و تخت و خواه ناخواه تضمین بیحقوقی مردم توسط دستگاه سلطنت و سرمایه است. زمانه هم که از قرار زمان "حقوق بشر" و "لیبرالیسم" است و هر مدافع سرسخت سرمایه و بی حقوقی انسان پروژه خود را در این قالبهای "مد" روز شده می پوشاند!

کنگره هشتم "حزب مشروطه ایران" به امید پیدا کردن زمینه ای برای "بقا" و جلوگیری از "بی رطبی" بیشتر با جامعه و تحولاتش کار خود را با یک دگرذیبی به پایان رساند. "کنگره سبز" به رسمان "لیبرال دمکراسی" آویزان شد و پسوند "لیبرال دمکرات" را به نام خود اضافه کرد. آقای داریوش همیون تنوریستین این حزب ضرورت این تغییر و تحول را با ذکر هشدارها و مفروضاتی چنین بیان کرد: "حزبهائی که نمی توانند خود را دگرگون کنند از میان می روند... در این تردید نیست که جامعه ایرانی خود را مشروطه خواهد نمود ولی دارد لیبرال دمکرات می شود... دیگر پادشاهی مشروطه نیز میدان پیشرفت آن نیست. سلطنت طلبان جز دشمنی با آن ندارند و لیبرال دمکراتها که موج اصلی جامعه ایران هستند... با آن آسوده نیستند."

به نکات متعددی در این زمینه باید اشاره کرد. زمینه های این دگرذیبی در این حزب کدام است؟ اهداف واقعی این حزب از تغییر نام و به اصطلاح "لیبرال دمکرات" شدن چیست؟ چه تغییر واقعی در سیاست و سنت اجتماعی ای که این حزب به آن تعلق دارد ایجاد خواهد شد؟ و بالاخره حتی اگر صورت ظاهر این شیفت را مینا قرار دهیم، تقدمان به این چهارچوب فکری و سیاسی چیست؟

### زمینه ها و اهداف دگرذیبی

تنوریستین حزب مشروطه این تغییر و تحولات را بر مبنای شرایط "خطیر" جامعه توضیح داده است. اما شاید واقعی تر بود که ایشان از بحران هویتی و سیاسی ایدئولوژیک حزب متبوع خود آغاز میکرد. در مرکز بحران این حزب یک واقعیت زمخت قرار دارد که سخت گریبان این حزب را گرفته است. این حزبی است که میخواهد نظام پادشاهی را که مردم در سه دهه پیش آن را به

**Down with the Islamic regime of Iran!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

زمانی است. بخش مهمی از تاریخ لیبرالیسم در خلاصی از شر دستگاه سلطنت و سلطه مذهب شکل گرفته است. اما مذهب و سلطنت هر دو از ارکان پروژه این حزب هستند.

حزب آقای داریوش همایون يك تتر دارد و مقدار زیادی توهم و يك پاشنه آشیل. تزشان این است که تحولات در جامعه ایران در چهارچوب لیبرال دمکراسی شکل خواهد گرفت. بر این باورند که "جنبش سبز" کلام اول و آخر و سرنوشت سیاست در ایران است. (البته در پرتانتز باید گفت که در مورد دوم خرداد هم همین نظر را داشتند.) از طرف دیگر میدانند که کسی برای پروژه سلطنت و پادشاهی تره هم خرد نخواهد کرد. اما در این توهمات غوطه ورنند که میتوانند پروژه خودشان را به تحولات جامعه گره بزنند. اگر بهشان ارفاق کنیم باید بگوئیم که "ساده انگارانه" می پندارند که جنبش سبز تلاشی برای اعاده حقوق مردم، بخشی از مردم، در جامعه است. و اگر تمام حقیقت را بگوئیم باید گفت که این جنبش را محملی برای استحاله درونی رژیم اسلامی و دست به دست شدن آن میدانند. بر این تصورند که اصلاح طلبان حکومتی با "خیانت" به حکومت و جناح راست ولایت فقیه میتوانند زمینه تغییرات کنترل شده و از بالا و استحاله درونی رژیم را فراهم کنند. از این رو ناامیدانه به آن امید بسته اند. با این جریان در مقابله با انقلاب و هر تحول انقلابی و رادیکال و سرنوشتی انقلابی رژیم عمیقاً شریکند. امیدشان را به آن گره زده اند. تمامی اراجیف جریان اصلاح طلب حکومتی را در برخورد به جنبش سرنوشتی رژیم اسلامی نعل به نعل تکرار میکنند. و چرا که نه؟ مگر نه اینکه گزینه حفظ نظام کماکان در دستور کارشان است؟ بعلاوه آقای همایون متوهم است. بر این توهم اند که راه نزدیکی به قدرت سیاسی از کانال جنبش سبز و استراتژی شکست خورده آن میگذرد. تصور میکنند که مردم خواهان آزادی و برابری و رفاه را میتوان در چهارچوب قانون اساسی رژیم اسلامی و پروژه اصلاح هیولای اسلامی محصور و اسیر کرد. به این توهمات باید پاشنه آشیل این حزب، تابوت سلطنت، را هم اضافه کرد.

وضعیت خوشایندی ندارند.

## لیبرال دمکراسی در دو مقطع تاریخی

در پایان باید ضرورتاً نگاهی به پروژه لیبرال دمکراسی انداخت و چند کلمه ای هم در باره خود این جنبش گفت! در دو مقطع تاریخی. در بلو شکل گیری و عروج اش و در دوران کنونی! ابتدائاً باید توهمات را به کناری زد. دمکراسی بر خلاف تعاریف رایج و تبلیغات گوشخراش مترادف آزادی نیست. مبنایی برای تعیین مشروعیت حکومت است. حکومتی که مشروعیت خود را نه از خدا و ماورا الطبیعه و نه از خون و اشرافیت و سلسله پادشاهی میگیرد. دمکراسی نگرش و قالبی است که سرمایه و بورژوا بر امر آزادی زده اند. دمکراسی مترادفی با عدالت اجتماعی، برابری و یا آزادیهای بی قید و شرط فردی نیست. دمکراسی سیستم اجتماعی و ساختار اقتصادی بورژوازی را مفروض میگیرد. مالکیت بورژوازی و سلطه طبقاتی سرمایه بر مقدرات زندگی انسانها در این چهارچوب مفروض است. مساله این است که سرمایه با دمکراسی میکوشد به حاکمیت خود مشروعیت سیاسی روشنی بدهد. حفظ و تامین شرایط بقاء حاکمیت سرمایه پروژه مشترک تمام نیروهای دمکرات است. و در اینجاست که لیبرالیسم بعنوان پسوند دمکراسی مضمون و معنایی به این فرم و ساختار مشروعیت حکومتی سرمایه می بخشد.

لیبرالیسم روایت سرمایه از حقوق شهروندی و انسان در جامعه است. تصویری است که در آن میزانی از حقوق فردی و آزادیهای سیاسی شهروندان برسمیت شناخته شده است. اما دامنه این آزادیها محدود به مصالح اقتصادی طبقه حاکمه و سرمایه است. در یک تصویر ایده آلیزه شده لیبرالیسم را مترادف آزادی قلمداد میکنند. مسلماً لیبرالیسم بمشابه يك مجموعه از ارزشها در مقایسه با دیکتاتوری و استبداد ارجعیت خاص خود را دارد و پیشرفتی در حقوق شهروندی است اما حرف آخر در زمینه آزادی و حقوق فردی نیست. لیبرالیسم بمشابه يك

ایدئولوژی بر تقدس مالکیت خصوصی و سرمایه و اختیار عمل سرمایه دار متکی است. در سیستم ارزشی لیبرالی میتوان آزادیهای فردی را محدود و مشروط کرد. اما حاکمیت سرمایه و بندگی کارگر و وجود استثمار نیروی کار خدشه ناپذیر است. لیبرالیسم را باید بیش از هر چیز به آزادی و اختیار عمل سرمایه دار در جامعه و به تبع آن سیستم تامین کننده منافع این طبقه تعریف کرد. این مختصات عمومی جنبش لیبرالیسم کلاسیک است. اما لیبرالیسم کلاسیک اکنون پدیده کمپابی در عرصه سیاست است.

جنبش لیبرالیسم در دوران عروج خود ازجایی از خود بیرون داد که بر علیه دستگاه سلطنت و مذهب جنگیدند. از حقوق فردی در مقابل بردگی مطلق در مقابل دستگاه سلطنت و مذهب دفاع کردند. اما احزاب لیبرال دمکرات امروزی دارای چنین خصوصیت و یا تجربه ای نیستند. در ایران چنین حکمی را باید بارها در خود ضرب کرد. جریانات لیبرال دمکرات در دوران کنونی جریانات محافظه کار و عقب مانده و مذهبی و حافظ حفظ وضع موجودند. دمکراسی لیبرال در دوران دوران کسبونی بیش از هر چیز چهارچوبی برای تضمین اعمال قدرت و سلطه طبقه حاکم سرمایه دار بر جوامع کنونی است.

اگر کسی به دنبال آزادی و رهایی انسان به معنای واقعی کلمه است باید برای نابودی نظام سرمایه داری تلاش کند. شرط واقعی آزادی انسانها خلاصی از شر سیستمی است که بر پایه استثمار و فروش نیروی کار و بردگی مزدی استوار شده است. مادامکه انسانها در قید و بند سرمایه و ملزومات آن قرار دارند هر درجه از آزادی و حقوق مدنی آنها محدود و در عین حال مشروط به نیازمندیهای سرمایه است. نمیتوان کارگر مزدی داشت و مدعی آزادی انسان بود. نمیتوان طبقات حاکم و فرودست و محروم داشت و در عین حال مدعی آزادی انسان بود. آزادی واقعی مفهومی اجتماعی است. سیاسی و اقتصادی است. تنها حقوقی و اداری نیست. دمکراسی لیبرال امروز آنتی تز وضع موجود نیست، آنطور که دوران عروج

خود در مقابل فنودالیسم و سلطنت و دستگاه مذهب بود. برعکس لیبرال دمکراسی امروز مدافع وضع موجود است. ارتجاعی و عقب مانده است. صاف و ساده سدی در مقابل آزادیخواهی سوسیالیستی و کارگری است.

اما ایجاد يك رژیم سیاسی غیر سرکوبگر در ایران که به درجه ای از حقوق مدنی شهروندی مردم پای بند باشد در گرو زدن پایه های مناسبات استثمارگرایانه سرمایه در این جامعه است. در ایران حذف استبداد بطور پایدار از سیستم سیاسی کشور بدون زدن سرمایه و مناسبات اقتصادی اش ممکن نیست. استبداد و سرکوب سیاسی يك نیاز سرمایه در ایران است. ریشه اختناق سیاسی در ایران را باید در ملزومات سرمایه داری ایران و نه در نیت کسی در درجه اول جستجو کرد. سرمایه در ایران به کار ارزان و تیتجتا کارگر خاموش نیاز دارد. به این اعتبار باید در ارزیابی از نیروهایی که وعده درجه ای از آزادیهای سیاسی در ایران را بر مبنای پروژه لیبرال دمکراسی میدهند گفت که اگر ساده لوح نباشند، مسلماً عوامفریبند. سرمایه داری و آزادی در ایران مانع الجمع اند. آزادیهای حتی نیم بند محصول کارکرد و روتین نظام آزادی و سوسیالیسم یا اختناق و استثمار. راههای دیگر جملگی

ناپایدار و موقتی اند. واقعیت این است که وصله کاریها تغییر چندانی در هویت و ماهیت این حزب بوجود نخواهد آورد. این جریانی متعلق به سنت ناسیونالیسم محافظه کار و دست راستی در ایران است. متعلق به سنتی ارتجاعی و محافظه کار است. ناسیونالیست و عظمت طلب است. مدافع پر و پر قرص سرمایه و تحکیم بردگی مزدی است. خواهان ادغام سرمایه داری ایران در سیستم سرمایه جهانی است. مواضع پایه ای و چهارچوبهای این حزب تغییری نکرده است. بیهوده تلاش میکنند چسبی بر زخمهای پیکر حزبی شان بزنند! این راه حل بحران و ناخوانی پروژه این حزب با جامعه ایران نیست.

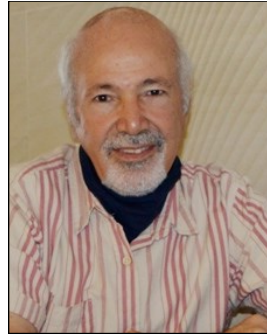
Yahsat  
کانال جدید  
KANALJADID  
فرکانس ۱۲۵۹۴  
پلازما سون عمودی  
سیمبل ریت ۲۷۰۰  
اف ای سی ۲/۳

تمام آمرین و عاملین جنایات جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته باید دستگیر و علناً محاکمه شوند!

کلیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی باید فوراً منحل شوند.

## فغان آخوندهای حکومت اسلامی از فضای مجازی

کاظم نیکخواه



احمد خاتمی امام جمعه تهران و عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان حکومت گفته است "فضای مجازی سگ هار است. این سگ هار اگر رها شود دوباره گاز میگیرد!" احمد جنتی دبیر شورای نگهبان حکومت هم گفته است "فضای مجازی بلایی است که به جان ما افتاده است. من گفته ام نمی شود کلا جلوی فضای مجازی را گرفت اما میشود آنرا کند کرد."

برخی دیگر از دست اندرکاران حکومتی هم از رسانه های اجتماعی شکایت کرده اند که بانی اعتراضات و اوضاع کنونی حکومت بوده است. جمهوری اسلامی به توصیه همین آخوندهای فسیل البته تا آنجا که میتوانست فضای مجازی را محدود و مختل کرد. رسانه ها را بستند. تلگرام را تعطیل کردند. اینترنت را کند کردند. اما چه بدست آوردند؟ این دو از آخوندهای شناخته شده بالای حکومت اسلامی هستند. اینها خودشان از اتومبیلهای آخرین سیستم ضد گلوله و امکانات مدرن و تجهیزات پیشرفته امروزی و آخرین نعمات قرن بیست و یکم به بهترین نحوی استفاده میکنند اما دوست دارند مردم را در عصر شتر ننگه دارند. و عصبانی هستند که این کار عملی نیست. دوره کنونی عصر شتر نیست. در عصر اینترنت و رسانه های اجتماعی این فسیلهای مرتجع میخواهند بر یک جامعه مدرن حاکمیت کنند و بچاپند و جنایت کنند و مردم در انزوا و بی خبری بمانند. میلیونها مردم این جامعه این را قبول ندارند. این حکومت، حکومت این دوره نیست. دوره کنونی دوره علم و تکنولوژی پیشرفته و ارتباطات گسترده و فضای مجازی است. دوره ای است که کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار، دانشجو و همه مردم علیرغم کنترل و فیلترینگ حکومت، از طریق

## "دهه فجر" را به ده روز وحشت و اضطراب رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

صوف حکومت را در هم بشکنیم. ما میتوانیم با پیروزی این جنبش، جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی را پایه گذاری کنیم. جامعه ای بدون فقر، بدون بی خانمانی، بدون تبعیض، بدون زن ستیزی، بدون حاکمیت اسلامی، بدون خرافه و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون استثمار، بدون طبقات بالا دست و فرو دست. در یک کلام یک جامعه آزاد سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری همه مردم را برای در هم شکستن تلاشهای ارتجاعی رژیم اسلامی در "دهه فجر ۴۰" فرا میخواند. این روزها را به روزهای اضطراب و وحشت رژیم باید تبدیل کرد. در این روزهای سرنوشت ساز میتوان گامهای بلندی برای رسیدن به اهداف دیرینه مان برداریم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۸ بهمن ۱۳۹۶، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۸

به بازی گرفت. مردم در خیزش دیماه نشان دادند که پایان عمر سیاه رژیم آغاز شده است. امروز دیگر خواست سرنگونی رژیم اسلامی یک آرزو نیست، باوری عمیقاً اجتماعی است. آرزوی دیرینه ای است که زمان تحقق آن به دست خود مردم پیا خاسته، فرارسیده است.

مردم آزادیخواه

شیشه عمر رژیم اسلامی در دستان پر قدرت شماسست. شما میتوانید با گسترش اعتراضات و جنبشی که آغاز کرده اید، به عمر حکومت منحوس اسلامی پایان دهید. شما میتوانید به حکومتی که جامعه را بر فقر و فلاکت و نابرابری و ترس و دروغ و خرافه و ضدیت با زن و کارگر و جوان و شادی و خوشی بنا کرده است، پایان دهید. شما میتوانید به حاکمیت کثیف اسلام و سرمایه بر مقدرات و شئونات جامعه پایان دهید. اتحاد ما مردم، اعتماد بنفس و روحیه مبارزاتی مان و عزم و اراده مان بیش از همیشه است و رژیم در بدترین حالت، در بحرانی ترین موقعیت و با بیشترین پراکندگی و شکنندگی در صوف خود مواجه است. ما میتوانیم

مردم آزادیخواه رژیم اسلامی در تلاش است تا در دهه "فجر"، با راه انداختن دار و دسته های فرمایشی در خیابانها، به صوف در هم ریخته خود روحیه بدهد. در صدد است تا در پس ضرباتی که تاکنون از خیزش انقلابی شما خورده است، صورت خود را با سیلی سرخ نگهدارد. مذبحوحانه تلاش میکند تا عده ای از مردم را که نان و آزادی شان را به اسارت گرفته است، با تهیید و ارباب به شرکت در این نمایش پوشالی بکشاند. اما حتی خودشان هم تصور نمیکند که میتوانند با این تشبثات موج سهمگین تعرض مردم را پس بزنند. خودشان نیز اعتراف میکنند که "معاندان قصد کشانندن اعتراضات به دهه فجر" را دارند.

واقعیت این است که جامعه ای که فریاد حکومت اسلامی نمیخواهیم را در شهرهای کوچک و بزرگ سر داده است، تصاویر خامنه ای را به آتش کشیده و به دفتر امام جمعه ها و فرمانداری ها و مراکز سرکوب حمله برده است، و مردمی که مصمم اند کار رژیم اسلامی را تمام کنند، را نمیتوان با این ترندها

مشخصات کانال جدید در یاه ست:

فرکانس 12594

سیمبل ریت 27500

FEC 2/3

پلاریزاسیون عمودی

هاتبرد:

فرکانس 11471

سیمبل ریت 27500

FEC 5/6

پلاریزاسیون عمودی

کانال جدید از امروز روی دو ماهواره یاه ست و هاتبرد پخش میشود

به اطلاع عموم میرسانیم که با توجه به شروع خیزش انقلابی مردم و اوضاع متحولی که در ایران شروع شده است، تلویزیون کانال جدید که در یکسال گذشته از ماهواره یاه ست پخش میشود، از امروز ۲۲ دیماه (۱۲ ژانویه) از هاتبرد نیز پخش میشود.

مشخصات کانال جدید در این دو ماهواره را به دیگران اطلاع دهید. کانال جدید صدای مردم است، صدای انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی، صدای مردمی که در خیابان ها فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهند و در کارخانه ها دست به اعتصاب و تجمع میزنند. صدای مادران و پدرانی است که در مقابل زندانها آزادی عزیزان خود را میخواهند. صدای مردم به خروش آمده علیه کل دم و دستگاه جنایت و چپاول اسلامی است. صدای زنانی است که تبعیض و تحقیر و نابرابری و تحمیلات اسلامی را نمیخواهند. این رسانه را به هر شکل که میتوانید از جمله با کمک مالی تقویت کنید.

کانال جدید

fb.com/wpiran/

اطلاعیه شماره ۲ کمپین نجات رامین حسین پناهی

## شنبه سوم فوریه روز جهانی دفاع از رامین حسین پناهی و زندانیان سیاسی دربند



بیا خیزید و از هم اکنون دست بکار شوید. همه میتوانند کاری بکنند، شما میتونید کاری بکنید. لطفا اقدامات خود و میتینگهای سازمان یافته را از طریق این آدرس ها در اختیار ما قرار دهید!

مینا احدی سخنگوی کمپین نجات رامین  
minaahadi26@gmail.com  
amjad.hosseinpanahi@gmail.com

امجد حسین پناهی برادر رامین و فراخوان دهنده کمپین

کمپین نجات رامین حسین پناهی  
۲۸ ژانویه ۲۰۱۸

شدگان اخیر خون است و میخواهد کاری بکند، هر کس که خواهان نجات جان رامین حسین پناهی فعال سیاسی دربند است، میتواند کاری بکند.

این کمپین امکانی ایجاد میکند شما حتی اگر تنها هستید، شعارها و عکسها را در دست گرفته و در جایی که هستید در مرکز شهر و یا مقابل رسانه ها صدای مادران و همسران و دوستان دستگیر شدگان و صدای مادر رامین را بگوش جهانیان برسانید!

تنها و تنها با اعمال فشار بین المللی و با به خیابان رفتن و دنیا را بر سر حکومت اسلامی خراب کردن میتوانیم رامین و رامین ها را نجات دهیم!

کمپین نجات رامین روز شنبه هفته آینده را روز جهانی اعتراض به حکم اعدام رامین فعال سیاسی و همچنین روز دفاع از زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اخیر اعلام کرده و از همه شما معترضین به حکومت اسلامی دعوت میکند که در هر کجای جهان که هستید، با در دست داشتن پلاکاردهای "رامین را آزاد کنید، زندانیان سیاسی را آزاد کنید"، در مراکز شهرها و یا در مقابل رسانه ها و پارلمانها و سفارت خانه های حکومت اسلامی میتینگ و تظاهرات سازمان دهید! هر کس که میخواهد حکومت اسلامی بیش از این از زندانیان سیاسی قربانی نگیرد، هر کس که دلش از اعلام خبر مرگ دستگیر

اطلاعیه شماره ۱ کمپین نجات رامین حسین پناهی

## متحد شویم و نگذاریم جمهوری اسلامی رامین را اعدام کند!

سیاسی در شرایط امروز ایران يك واقعه مهم است. در حالیکه میلیونها نفر در حدود صد شهر ایران به خیابان آمده و مرگ بر دیکتاتور فریاد زدند، جمهوری اسلامی ایران برای زهر چشم گرفتن و ترساندن مردم، از یکسو زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان را شکنجه و وادار به خوردن قرص و "خودکشی" میکند و از سوی دیگر میخواهد با اعلام حکم اعدام بر علیه يك فعال سیاسی از کردستان زمینه را برای اعدامهای بیشتر فراهم کند.

امروز در مرکز شهر کلن در آلمان تعدادی از فعالین مدافع حقوق انسانی و مبارزین علیه اعدام، دور هم جمع شده و کمپین نجات رامین حسین پناهی را متحدانه اعلام کردند.

رامین حسین پناهی روز دوم تیرماه امسال در حالیکه با سه نفر دیگر از فعالین سیاسی و مدنی برای دیدار با مادر بیمارش در سنندج بود، مورد حمله مسلحانه نیروهای سپاه پاسداران قرار گرفت و رامین زخمی و او را دستگیر و راهی سپاه چالهای سپاه پاسداران کردند.

باید متحدانه و بسیار قوی به حکم اعدام رامین حسین پناهی اعتراض کرد.

کمپین نجات رامین، يك حرکت بزرگ و متحدانه اعتراضی علیه اعدام در ایران و در دفاع از زندانیان سیاسی است.

به این کمپین پیوندید! کمک کنید جمهوری اسلامی ایران را وادار به عقب نشینی کنیم و جان رامین و زندانیان سیاسی اسیر این حکومت را نجات دهیم!

کمپین نجات رامین حسین پناهی  
تلفن تماس با سخنگوی کمپین مینا احدی  
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

رامین از وقتی اسیر سپاه پاسداران شد، زیر وحشیانه ترین شکنجه ها بود. نه فقط این بلکه نیروهای سپاه به خانه حسین پناهی حمله کرده و برادر دیگر رامین، افشین حسین پناهی که يك فعال سرشناس مدنی در کردستان هست را نیز دستگیر کردند. ۴ تیرماه ۱۳۹۶ انور حسین پناهی برادر دیگر رامین و زبیر و احمد و عباس و کیوان حسین پناهی از بستگان رامین را بازداشت کردند. هم اکنون افشین و عباس و زندان هستند و بقیه آزاد شده اند.

هفته گذشته جمهوری اسلامی ایران رامین را در يك بیدادگاه اسلامی در حالیکه به او اجازه صحبت و دفاع از خود را ندادند، به اعدام محکوم کرد.

اطلاع حکم اعدام يك فعال کمپین  
۰۰۴۹۱۷۲۸۲۸۸۳۵۸

هفته گذشته جمهوری اسلامی ایران رامین را در يك بیدادگاه اسلامی در حالیکه به او اجازه صحبت و دفاع از خود را ندادند، به اعدام محکوم کرد.

**همه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات اخیر فوراً باید آزاد شوند.**



سایت حزب:

www.wpiran.org

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

## با تمام قوا برای لغو اعدام رامین حسین پناهی، هدایت عبدالله پور و آزادی زندانیان سیاسی دست بکار شویم!

پیام نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

شنبه روز جهانی اعتراض به احکام اعدام رامین حسین پناهی و هدایت عبدالله پور  
روز جهانی دفاع از آزادی زندانیان سیاسی



رامین حسین پناهی و هدایت عبدالله پور تنها نیستند!

در خارج کشور کارزار مشترک مینا احدی- امجد حسین پناهی علیه حکم اعدام رامین حسین پناهی و هدایت عبدالله پور شروع شده. در روز اول آغاز بکار این کمپین بیش از دو هزار نفر با امضاهای حمایتی به این کارزار پیوسته اند! موج همبستگی و اعتراض به حکم اعدام هر روز بیشتر میشود. این حمایتها و کارزار برای لغو احکام اعدام در میان مردم در شهرهای ایران و بویژه شهرهای کردستان و در خارج از کشور وجود داشته و تا حدودی نهادینه است. اما در شرایط کنونی آنچه امروز این همه حمایت های انسانی و پر شور را متفاوت کرده است، مردم در داخل و خارج ایران با عزمی راسخ تر به میدان آمده اند. این شرایط موقعیت مناسبی را برای اعتراض دسته جمعی برای لغو حکم اعدام رامین حسین پناهی را فراهم کرده است!

محکم و قاطعانه در مقابل اعدام رامین حسین پناهی و هدایت عبدالله پور بایستید. شهرها را به محل فشار و افشاکاری علیه این حکم ضد انسانی تبدیل کنید. شعار نویسی علیه مجازات اعدام و تلاش برای آزادی همه زندانیان سیاسی را به جزیی از فعالیت خود تبدیل کنید. نام و اسامی حاکمین شرع و مامورین اجرای اعدامها را همه جا بنویسید و آنها را افشا کنید.

**مردم!**

حکومت هار اسلامی با بگیر و ببند و زندانی کردن عزیزانمان و با سلاح شکنجه و قتل دستگیر شدگان میخواهد قدرت خود را نگه دارد. اما این اسلحه دیگر کارآئی ندارد. امروز مردم ایران بپاخاسته اند. حقوق انسانی خود را میخواهند. به هزار زبان اعلام میکنند که "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی". مبارزه برای

دنیا از ۷ دی ۱۳۹۶ اعتراضات کوبنده مردم در ۱۰۰ شهر ایران را دید. صدها صحنه زنده از اعتراضات توده ای مردم علیه بیکاری، گرانی، فقر و فساد حاکمان حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی در میدیای اجتماعی مخابره شد! چشمان مردم اینبار به میلیونها نفر زن و مرد معترض در ایران دوخته شد. آرزوهای مردم رنجیده و سرکوب شده اینبار تبدیل به امید به سرگونی جنایتکارترین رژیم فاشیست اسلامی، شد!

مردم در ایران علیرغم رجزخوانی خامنه ای و امام جمعه های اسلامی در حال مبارزه ای دائمی و پیگیر هستند! امروز ما در سطح سراسری شاهد تعرض کوبنده مردم به نهادها و اوباشان حکومت اسلامی هستیم.

در دل تحولات بزرگ اعتراضی، جمهوری اسلامی بیش از سه هزار نفر از عزیزان ما را در شهرهای کردستان و در سطح سراسری دستگیر کرده و جان تعدادی از عزیزان ما را گرفته است.

در ادامه این جنایات در پنجماه، رامین حسین پناهی به اتهام "آقدام علیه امنیت ملی و عضویت در کومه" به اعدام محکوم شده است. علیه این حکم جنایتکارانه با تمام قوا و با بکارگیری تمام امکانات اجتماعی و تشکیلاتی باید قاطعانه بایستیم!

**مردم شهرهای کردستان!**

علیه حکم اعدام رامین حسین پناهی متحدانه دست به اعتراض و مبارزه بزنید. احکام اعدام با مبارزات مردم میتواند لغو شود. جمهوری اسلامی در اوضاع آشفته ای قرار دارد و مردم مصمم تر از همیشه به میدان آمده اند. در چنین شرایطی با قدرت بیشتری میتوانیم جمهوری اسلامی را به عقب برانیم و رامین را از دست این جنایتکاران نجات دهیم.

آزادی زندانیان سیاسی فی الحال فعالانه در جامعه جریان دارد. خانواده ها و بستگان زندانیان در برابر زندانها تجمع و اعتراض میکنند و آزادی فوری عزیزان خود را که در اعتراضات اخیر دستگیر شده اند طلب میکنند. ابزار زندان و دستگیریها را میتوان و باید از دست حکومت اسلامی گرفت. این یک گام مهم در سرنگونی این حکومت است.

لغو حکم اعدام رامین حسین پناهی، هدایت عبدالله پور و آزادی زندانیان سیاسی را همه جا پرطنین تر فریاد بزنیم. همگام با کارزار مشترک مینا احدی- امجد حسین پناهی، علیه حکم اعدام رامین حسین پناهی و خانواده ها و بستگان زندانیان سیاسی جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی را گسترش دهیم!

**سازمان و احزاب سیاسی!**

از کارزار مشترک مینا احدی- امجد حسین پناهی، علیه حکم اعدام رامین حسین پناهی، هدایت عبدالله پور و برای آزادی زندانیان سیاسی، حمایت کنید!

لغو اعدام رامین حسین پناهی، هدایت عبدالله پور و آزادی زندانیان سیاسی را به پرچم اعتراض مشترک خودمان تبدیل کنیم.

۱۰ بهمن ۱۳۹۶

۳۰ ژانویه ۲۰۱۸

تظاهرات در شهرهای فرانکفورت، کلن، استکهلم، مالمو، کپنهاک، نورهوس، آتن، تورنتو، لایپزیک، هانوفر

آلمان / فرانکفورت

آلمان جمعه تظاهرات در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی در فرانکفورت ساعت ۱۶ تا ۱۸ آدرس و تلفن تماس:

Raimund Str 90 – 60320 Frankfurt  
015122148263

کلن شنبه سوم ماه فوریه از ساعت ۱۵ در والراف پلاتس نزدیک کلیسای مرکزی شهر

Wallraf Platz

لایپزیک

ساعت ۱۳ تا ۱۶ محل: روبروی ایستگاه راه آن اصلی

Willy- Brandt-platz

015758590417

015735366418

هانوفر

روز شنبه میز اطلاعاتی در مقابل ایستگاه مرکزی قطار از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر

آدرس: Vor dem Hauptbahnhof Hannover

ساعت: ۱۴ تا ۱۶

سوئد

استکهلم شنبه سوم فوریه از ساعت ۱۲ تا ۱۴ در محل:

Sergels Torg

سوئد / مالمو ساعت ۱۳

Gustav Adolfs torge

دانمارک / کپنهاک روز شنبه از ساعت ۱۳ تا ۱۴ محل:

Kultorget København

دانمارک نورهوس روز شنبه از ساعت ۱۳ تا ۱۵

محل:

Arhus radhus plads

هولبر، شنبه ساعت ۱۱ صبح در مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل

یونان / آتن روز شنبه ساعت ۱۷ تا ۱۹ محل سینداغما

کانادا تورنتو

روز شنبه سوم فوریه از ساعت ۱۳ تا ۱۴ محل: میدان مل لستمن شماره ۵۱۰۰ خیابان یانگ / تورنتو

کمیته نجات رامین حسین پناهی از همگان دعوت میکند به این حرکت مهم بپیوندند!

کمیته نجات رامین حسین پناهی

۳۱ ژانویه

## یادداشت روزانه

### کابوسی انقلاب و هراس جمهوری اسلامی

آرش دشتی

همه ساله شاهد بودیم که دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی جمهوری اسلامی از آذرماه شروع می کرد به پخش کردن برنامه هایی از قیام بهمن سال ۱۳۵۷ و یا فیلم هایی را در تلویزیون و سینماهای تهران و شهرستان ها اکران می کرد که با هزار چسب و سریش داستان فیلم ها را بچسباند به موضوعات انقلاب. از فیلم های آبلوغ خیاری که در آن ها نقش طرفداران خمینی با هزار رفو بزرگ نمایی می شد تا فیلم هایی که در آن ها انقلابیان چپ و کمونیست، در حاشیه و شکست خورده و به بن بست رسیده به تصویر کشیده شده بودند. اما امروز که ۱۰ بهمن است و به قول جمهوری اسلامی آغاز دهه ی فجر!! هنوز

هیچ فیلم و سخنرانی و مصاحبه ای در باره ی تظاهرات و راهپیمایی های انقلاب ۵۷ در تلویزیون جمهوری اسلامی پخش نشده است. علت چیست؟ سران جمهوری اسلامی نمی خواهند صحنه های قیام و راهپیمایی ها و مرگ بر شاه نمایش داده شود. زیرا هنوز يك ماه از خیزش سراسری و اجتماعی مردم نگلخته و هر شب و بطور مشخص و عینی همین دیشب (۹ بهمن) حداقل در سه شهر، مردم به خیابان آمدند و علیه فجایع این رژیم منحوس شعار داده اند و دو روز پیش يك زن تترس در رشت، آخونی را زیر مشت و لگد گرفت، رژیم نمی خواهد صحنه های تظاهرات براندازی در هر خانه ای

دوباره نمایش داده شود و خیزش ماه قبل را تداعی کند. این اولین بار نیست که رسانه های حکومت از سرفصل های تاریخی اواخر پهلوی و اوایل انقلاب ۵۷ طفره می روند. سال هاست که هیچ مراسم یادبودی به مناسبت روز ۱۷ شهریور که روز کشتار وسیع مردم در میدان ژاله بود، برگزار نمی کنند. سران جمهوری اسلامی، همیشه و بویژه از سال ۱۳۸۸ از انقلاب میترسیدند، علی الخصوص که در ماه گذشته زهر چشم ترسناک تری از مردم خشمگین دیده اند. ۱۰ بهمن ۹۶ - ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸

### اعتراضات و تجمعات گسترش می یابد

موج گسترده ای از اعتراضات و مقابله با نیروهای حکومت اسلامی در شهرها و مناطق مختلف کشور در روزهای اخیر به جریان افتاده است. روز ۹ بهمن در شهرهای بندرعباس، کرمان، شیراز، گرگان و نجف آباد تجمعات اعتراضی تازه ای با شعار دادن علیه جمهوری اسلامی جریان یافت. در روزهای قبل از آن نیز در بندرعباس مردم با سنگ مزدوران شهرداری را فراری دادند و در مترو کرج يك اعتراض ساده به تظاهرات تبدیل شد. در متن خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی، زنان تمام قد به جنگ جمهوری اسلامی برخاسته اند. حرکت شکوهمند "دختر خیابان انقلاب" بسرعت در شهرهای مختلف در حال گسترش است. زنان در میادین شلوغ شهرها روی بلندی میروند، روسری از سر برمیدارند و آترا بر سر چوب میبندند و بر باد میدهند. شماری از مردان نیز با دختران خیابان انقلاب اعلام همبستگی کردند و حمایت خود را از آنها به شیوه های مختلف علنا اعلام کردند.

همزمان با این تجمعات و اعتراضات در شهرهای مختلف، شاهد اعتراضات کارگران برای گرفتن مطالباتشان در کارخانجات و مراکز مختلف هستیم. برای نمونه روز ۹ بهمن شاهد مبارزات گسترده کارگران بودیم. اعتصابات و تجمعات کارگران راه آهن در شهرهای مختلف، گروه ملی فولاد اهواز، نساجی کیان کرد ملایر، کارگران سد سفارود، شرکت کابل های مخابراتی شهید قندی، شرکت ملی حفاری ایران و کارگران شهرداری بروجرد از جمله اعتراضات کارگران در دو روز گذشته بوده است. در کارخانه کمباین سازی تبریز کارگران مدیریت کارخانه را در دست گرفتند و با فروش اسقاط کارخانه، بخشی از بدهی کارفرما به کارگران را پرداختند. مالباختگان تجمع میکنند و خواستهای خود را طلب میکنند. بازنشستگان که بدلیل بارش برف شدید، تجمع خود را در روز هشت بهمن لغو کردند، در تدارک يك حرکت گسترده و سراسری برای کسب مطالبات خود هستند و در میان معلمان زمزمه اعتراض و

اعتصاب جریان دارد و با طومارهای اعتراضی متعددی اعلام کرده اند که اگر خواستهای آنها پاسخ نگیرد، حق خود میدانند که دست از کار بکشند. همین مرور کوتاه بر مهمترین حرکتهای اعتراضی در دو سه روز اخیر نشان میدهد که امروز ایران کانون پر خروش اعتراض و مبارزه و حق طلبی است. از همه جا موج اعتراض و نفرت از حکومت اسلامی سربلند کرده است. جمهوری اسلامی علیرغم بسیج گسترده نیروهای سرکوب و دستگیری های گسترده، به هیچوجه قادر به فرونشاندن مبارزات نشده و بخشهای مختلف مردم، زن و مرد، از هر فرصتی برای مقابله و مبارزه با حکومت استفاده میکنند. شعارها و خواستهای مدرن و پیشرو مردم این را تاکید میکند که در ایران يك خیزش انقلابی بسیار مدرن و انسانی در جریان است. انقلابی که میتواند جامعه ایران را از شر حاکمیت مرتجعین و جنایتکاران و چپاولگران مفتخور اسلامی و سرمایه دار خلاص کند و

### موضوع جدی است! زنان پرچم های شان را به اهتزاز در آورده اند

آرش دشتی

افکندن روسری ها!  
دردناک ترین که، ویدا ها به طرز تحسین برانگیزی تکثیر می شوند و هر روز می شنویم که در فلان میدان و فلان شهر هم زنان شجاع دیگری بالای جعبه های برق و مخابرات رفته اند و روسری نکبت بار را پرت کرده اند به صورت جمهوری سانسور و بی حقوقی زن. این شکل از مبارزه، یکی از واقعی ترین و اجتماعی ترین اشکال مبارزه است که مردم و مخصوصا زنان به آن رسیده اند.

این نه شعار است و نه حرکتی از سر سبیری و روشنفکری، این يك اعلام جنگ واقعی علیه رژیممی است که فقر و فساد و اعتیاد و بیماری و گرسنگی و کارتن خوابی و تن فروشی و هزار درد و رنج را به مردم تحمیل کرده و خود روی کوهی از ثروت های افسانه ای ایستاده اند. این که انقلاب زنانه در پیش است، جلی است و زمینه های مادی اش از سال ها پیش شکل گرفته بود و این روزها هم نموده ها و نمادهای عینی و علنی اش آشکار شده است. ۱۰ بهمن ۱۳۹۶ - ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸

آتشی که در هفته ی اول دی ماه ۱۳۹۶ به دست به جان آمدگان و گرسنگان و زنان و مردم فروخته شده بود، هنوز در این شهر و آن شهر شعله می کشد و دارد عمیق تر می شود. مردم به تجربه ها و سنت های انقلاب، رنگ امروز خودشان را می زنند. اگر روز نتوانستند، شب ها به خیابان می آیند و فریاد می زنند. اگر دانشجو نتوانست در دانشگاه راهپیمایی اعتراضی راه بیندازد، کارگران اعتصاب و تجمع سازمان می دهند.

اما زنان، تجربه ی نزدیک به چهارده مبارزه با حجاب را در هفته های اخیر، به نمایش گذاشته اند. زنان، تمام قد به میدان آمدند و از پروژه هایی نظیر آزادی یواشکی! عبور کرده اند و در میدان های شلوغ شهر روی چهارپایه می روند و روسری از سر بر می دارند و آن را بر سر چوب می بندند و به باد می دهند.

جمهوری اسلامی تا بحال بدینگونه پرچمش را در خطر ندیده بود. برای جمهوری ضد زن اسلامی، آتش زدن پرچم سه رنگ الله نشانش این قدر درد و سوز ندارد که بلور

رفاه و آزادی و منزلت برای تک تک شهروندان را که خواست مردم است به سنت و قانون جامعه تبدیل خواهد کرد.

زنده باد انقلاب مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ بهمن ۱۳۹۶، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۷





## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق **paypal**) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۰۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هم مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس  
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
branch: Wood Green, Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## جنایات ارتش ترکیه در عفرین را شدیداً محکوم میکنیم

منطقه دست دارند و این جنایات را نیز به سود خود می بینند و خود را در اهداف اردوغان و جنایات ارتش همراه می دانند.

مردم ساکن عفرین خود به کمک سازمانهای موجود در منطقه درگیر جنگ و مقابله با تهاجم خونین ارتش ترکیه هستند و خود را مصمم میدانند که این حمله را به شکست بکشانند. اما این مردم به کمک و پشتیبانی همه مردم جهان نیاز دارند. نباید اجازه داد که در برابر چشمان ما یک دولت ارتجاعی نقش چماق و ستون ارتجاع در برابر مردم در کشورهای مختلف را ایفا کند. دفاع از زندگی مردم عفرین وظیفه همه مردم مترقی و احزاب و سازمانهای پیشرو و انساندوست در سراسر جهان است. باید در همه جا بدون هیچ تردیدی دولتها را بخاطر سکوت در برابر جنایات دولت اردوغان در کردستان سوریه مورد اعتراض قرار داد. باید به هر شکل ممکن از مردم عفرین پشتیبانی و حمایت کرد. حزب کمونیست کارگری ایران خود را در کنار مردم عفرین میدانند و جنایات دولت اردوغان را شدیداً محکوم میکنند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ فوریه ۲۰۱۸

بیرون کشیده اند و با استفاده از شرایط سیاسی غیر نرمال و بی ثبات موجود تلاش دارند نوعی تصمیم گیری و دخالت مستقیم در اداره شهر و روستا و زندگی خود را آزمون و تجربه کنند. ارتجاع اسلامی حاکم در ترکیه این وضعیت را زمینه مساعدی به سود نیروهای سیاسی اپوزیسیون خود و به زیان خویش می بیند و نگران است که فضای دخالتگری مردم کردستان سوریه و رشد نیروهای اپوزیسیون دولت ترکیه، شرایط ملتهد و بی ثباتی سیاسی در این کشور را تشدید نماید. به همین دلیل دارد مستقیماً مردم عفرین سوریه را با بیرحمی تمام مجازات میکند. تهاجم جنایتکارانه ارتش ترکیه به عفرین روشن است که با چراغ سبز دولت‌های مختلف درگیر در منطقه صورت میگیرد. دولت آمریکا و اتحادیه اروپا که متحدین استراتژیک ترکیه هستند نه قبل از این حمله تلاشی برای مقابله با سیاست اردوغان انجام دادند و نه دو هفته بعد از این همه جنایت که در برابر چشمانشان دارد صورت میگیرد جز "ابراز نگرانی" خشک و خالی کاری کرده اند. حکومت منفور بشار اسد و روسیه و جمهوری اسلامی نیز خود مستقیماً در جنایات علیه مردم در

اکنون قریب دو هفته است که مردم ساکن منطقه عفرین در کردستان سوریه از زمین و هوا زیر شدیدترین و بیرحمانه ترین حملات از سوی ارتش ترکیه قرار دارند. هوایماها و تانکها و سربازان تا دندان مسلح محلات و روستاها و شهر را بی وقفه بمباران و توپ باران میکنند. شمار بسیاری از زنان و مردان و کودکان تا کنون جان باخته اند و شمار بیشتری زخمی شده اند و دهها هزار نفر در سرمای سخت زمستان در کوه و صحرا آواره شده اند.

دولت فاشیستی و جنایتکار اردوغان بهانه اش اینست که سازمانهای کردی در منطقه بویژه ی پ ک (یگانهای مدافع خلق) با سازمان "پ ک ک" که آنرا یک سازمان تروریستی میخوانند در ارتباط هستند. اما توجیه و دفاع از جنایت علیه مردم غیر نظامی به اندازه خود جنایت نفرت انگیز و تهوع آور است. بدست گرفتن پرچم "مبارزه با تروریسم" توسط دولت اردوغان که به دلیل سابقه حمایت همه جانبه و فعال از آدمکشان داعش در نزد جهانیان رسوا و بی آبرو گردیده، بیشتر به یک شوخی مسخره شبیه است. "گناه" مردم محروم عفرین اینست که از زیر چنگ دیکتاتوری بشار اسد خود را

آزادی بی قید و شرط عقیده،  
بیان، اجتماعات، مطبوعات،  
تظاهرات، اعتصاب، تشکل و  
تحزب در ایران فوراً باید  
اعلام و برقرار شود.



[fb.com/wpiran/](http://fb.com/wpiran/)

